

طراحی و اعتبار سنجی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی محمدمهدی مجلس آذر^۱، خلیل غفاری^۲، فائزه ناطقی^۳

Design and validation of parental education model based on Islamic lifestyle to reduce the intergenerational gap

Mohammad Mahdi MajlesAzar¹, Khalil Ghaffari², Faeze Nateghi³

چکیده

زمینه: مسئله سبک زندگی و لزوم آشنایی خانواده‌ها با مؤلفه‌های سبک زندگی از یک سو و مسئله شکاف بین نسلی میان والدین و فرزندان از سوی دیگر، یکی از مهمترین مسائلی است که امروزه در حوزه آسیب‌شناسی خانواده باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. علیرغم اهمیت تدوین الگوی تربیتی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی، این موضوع در مطالعات مرتبط مغفول واقع شده است. **هدف:** این پژوهش با هدف تدوین و اعتبارسنجی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی انجام شد. **روش:** این مطالعه بر اساس طرح آمیخته اکتشافی (رویکرد کیفی و کمی) انجام شد. در بخش کیفی از روش توصیفی تحلیلی و در بخش کمی از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل تمامی مبانی نظری مربوط به الگوی سبک زندگی اسلامی و شکاف بین نسلی و سایر منابع معتبر مربوط به این زمینه بوده و برای اعتبار سنجی الگو از ۱۵ نفر از متخصصان تعلیم و تربیت و صاحب‌نظران در این حوزه استفاده شده است. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها بررسی اسناد، و برای اعتبارسنجی الگو میدانی بود. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری و پرسشنامه محقق ساخته بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیلی استنباطی و در بخش کمی از شاخص آمار توصیفی که شامل فراوانی درصد و میانگین استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش منجر به تدوین الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی شامل اهداف، اصول، محتوا، روش و شیوه‌های ارزشیابی گردید و سرانجام جهت اعتبارسنجی آن از نظر محتوایی و میزان تناسب با الگوی سبک زندگی اسلامی از متخصصان نظرخواهی شد که بر اساس نتایج به دست آمده اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفت. **نتیجه‌گیری:** الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی مستخرج از پژوهش حاضر می‌تواند برای کاهش شکاف نسلی میان والدین و فرزندان نوجوان مورد استفاده قرار گیرد. **واژه کلیدی:** الگوی تربیتی والدین، سبک زندگی اسلامی، شکاف بین نسلی.

Background: The issue of lifestyle and the need for families to be familiar with the components of this lifestyle on the one hand and the issue of intergenerational gap between parents and children on the other hand, is one of the most important issues in the field of family pathology today. Despite the importance of developing an educational model based on the Islamic lifestyle in order to reduce the intergenerational gap, this issue has been neglected in studies.

Aims: The aim of this study was to develop and validate the educational model of parents based on the Islamic lifestyle in order to reduce the generation gap. **Method:** This study was based on a mixed exploratory design (qualitative and quantitative approach). In the qualitative part, the descriptive-analytical method is used and in the quantitative part, the survey method is used. The research population included all the theoretical foundations related to the Islamic lifestyle pattern and the intergenerational gap and other reliable sources related to this field, and 15 education specialists and experts in this field were used to validate the model. Purposeful sampling method was used for sampling. Data collection methods were document review, and field model validation. Data collection tools were phishing and a researcher-made questionnaire. In order to analyze the data in the qualitative part, the inferential analytical method was used and in the quantitative part, the descriptive statistical index was used, which included the frequency and average frequency.

Results: The findings of the study led to the development of an educational model for parents based on the Islamic lifestyle, including goals, principles, content, methods and methods of evaluation. The obtained validity was confirmed.

Conclusions: The parental education model based on the Islamic lifestyle extracted from the present study can be used to reduce the generation gap between parents and adolescent children. **Key Words:** Parents' educational model, islamic lifestyle, intergenerational gap.

Corresponding Autho: Ghaffari20500@yahoo.com

^۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک، ایران

^۱. Ph.D Student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University of Arak, Arak, Iran

^۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

^۲. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University of Arak, Arak, Iran (Corresponding Author)

^۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک، ایران

^۳. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University of Arak, Arak, Iran

مقدمه

امروزه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به تدریج تفاوت زندگی میان والدین و فرزندان در سبک زندگی به شکل تعارض گونه‌ای تبدیل و تجربه می‌شود (دکویک، ۱۹۹۹؛ یو و اسمیتانا، ۲۰۰۳). شکاف بین نسلی قدمتی به درازای تاریخ دارد که در حالت معمول امری طبیعی انگاشته می‌شود و چندان اذهان را به خود معطوف نمی‌کند، اما در مقاطع زمانی خاص اختلافات حدود و معیارهای رایج را برهم‌ریخته و ابعاد، گستره و شدت آن به حدی می‌رسد که جنبه مرضی یافته و دغدغه خاطر متخصصان و توده مردم را فراهم می‌آورد. چندین سال است که گسست نسل‌ها اذهان متخصصین امر، متولیان امور فرهنگی جامعه و حتی عامه مردم را به خود مشغول داشته، به گونه‌ای که اختلاف در ارزش‌های نسل والدین و فرزندان امری فراگیر شده و ابعاد و دامنه این اختلافات گسترش یافته است (یوسفی، ۱۳۹۲). مفهوم شکاف نسلی رابطه تنگاتنگی با سبک زندگی دارد. جامعه اسلامی ایران، مانند همه جوامع در حال دگرگونی دهه‌های اخیر دچار دگرگونی‌هایی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه سبک زندگی افراد جامعه شده است. شهرها به دلیل برخورداری از تسهیلات ارتباطی، دوران گذر از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی مدرن و متفاوت از نسل‌های گذشته را تجربه می‌کنند. مفاهیمی از قبیل جهانی شدن و عصر ارتباطات موجب شده که خانواده‌ها شاهد انواع الگوهای هویتی - ارزشی و شخصیتی باشند. لذا به تدریج شاهد تفاوت‌هایی در سبک زندگی فرزندان با نسل‌های قبلی‌شان هستیم که چنین پدیده‌ای از نظر جامعه‌شناسی به شکاف نسلی تعبیر می‌شود. اساساً عدم شناخت الگوهای صحیح تربیتی، چه از سوی والدین و چه از سوی فرزندان در جامعه سبب شده است که هر ساله عده زیادی از والدین و فرزندان به ناهنجاری‌های اجتماعی و انتخاب‌های نامناسب روی بیاورند و هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی را بر خانواده‌ها و جامعه تحمیل کنند (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵). سال‌های اولیه نوجوانی با تغییرات برجسته جسمانی، شناختی، اجتماعی و هیجانی که با آغاز بلوغ شروع شده، مشخص می‌گردد، این تغییرات با انتقال در روابط خانواده و ظهور و افزایش تعارض بین نوجوانان و والدین همراه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعارض والد - نوجوان در طول دوره اول نوجوانی (دوره متوسطه اول تحصیلی) افزایش یافته و وقایع

روزمره زندگی خانوادگی را در برمی‌گیرد. هنگامی که اعضای خانواده رشد و تغییر می‌کنند، خانواده با چالش‌ها و تعارض‌های ارتباطی مواجه می‌شود (قمری و قمری گندوانی، ۱۳۹۳). دوره نوجوانی از حساس‌ترین و بحرانی‌ترین مراحل زندگی آدمی است. نوجوانان از مرز کودکی گذشته و وارد مرحله نوینی می‌شوند؛ ورود به دوره نوجوانی فرد را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. استانی‌های مؤسس انجمن روانشناسی آمریکا، از نوجوانی به دوره «طوفان و تنش شدید» و نیز «دوران توانایی فوق‌العاده جسمانی، عقلی و عاطفی» یاد می‌کرد (حسین خانی، ۱۳۸۵). تقریباً همگان معترف هستند که دوران نوجوانی و بلوغ از مهمترین و در عین حال مسئله‌سازترین مراحل تکامل زندگی انسان است و تا حدودی نیز برای حل مشکلات و قدم گذاشتن در مسیر صحیح؛ ابتدا بایستی ویژگی و خصوصیات طبیعی و غیرطبیعی این دوران را شناخت (درویش محمدی، ۱۳۹۱). بنابراین زمانی که مسئولیت‌ها در خانواده مشخص است و اعضا در عین حالی که ابهامی در مورد نقش‌های خود ندارند، می‌توانند در فضایی منعطف و حمایت‌گر اختلاف نظرها را مطرح و حل نمایند، طبیعتاً تعارضات بین فردی کمتر و صمیمیت و رضایت خانوادگی بیشتری به چشم می‌خورد. اعضای خانواده‌هایی که دارای گفت و شنود زیاد هستند آزادانه، به طور مکرر و خودانگیخته با یکدیگر تعامل می‌کنند. آنها دامنه وسیعی از موضوعات را مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌دهند (رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹). سبک زندگی با توجه به زندگی افراد و ابعاد مختلف آن، چه در سطح آکادمیک و چه در سطح روانشناسی و جامعه‌شناسی و نیز از دیدگاه دینی و همچنین از نظر زندگی توده مردم، می‌تواند مرتبط و منشأ اثر باشد. نظریه سبک زندگی اسلامی باید برای هر کدام از اینها الگویی معرفی نماید که دارای شرایط ذیل باشد: مورد تأیید دین اسلام باشد، با یافته‌های مسلم علمی هماهنگ باشد، هیچ کدام از ابعاد مادی و معنوی انسان را مورد غفلت قرار ندهد، سبک زندگی در تمدن اسلامی ایرانی را رعایت نماید، یکپارچگی بین گذشته، حال و آینده را تضمین نماید، به اهداف نهایی انسان (حیات طیبه) توجه داشته باشد، با فطرت انسان انطباق داشته باشد، یافته‌های علوم انسانی به ویژه در روانشناسی و جامعه‌شناسی را به کار گیرد، انعطاف‌پذیری لازم را برای تحولات، فناوری و اطلاعات، با حفظ فرهنگ و تمدن خویش داشته باشد. باید برای هر یک از شاخص‌ها، الگویی ارائه شود، این الگوها باید

انسجام و هماهنگی کامل با یکدیگر داشته و مکمل یکدیگر باشند و تضاد و تناقضی نداشته باشد؛ علاوه بر آن باید امکان عملیاتی و اجرایی نمودن آن نیز وجود داشته باشد و ضمن ارتباط با چگونگی و کیفیت سبک زندگی شهروندان، موضوعات آموزشی را به نیازهای واقعی و علایق مردم جامعه به ویژه نسل جدید پیوند دهد (کاویانی، ۱۳۹۱). شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت گیری های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل را همزمان در یک جامعه بررسی می کند. موضوع شکاف نسلی از دیرباز از سوی متخصصان علوم اجتماعی به ویژه روانشناسان اجتماعی، مردم شناسان فرهنگی، علمای سیاسی و جامعه شناسان بحث و بررسی شده است. شکاف ارزشی درون خانواده ها (والدین) و بین نسل ها زمانی اتفاق می افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبرو شود. از آنجا که انتقال فرهنگی بین انتقال کامل، یعنی بدون هیچ تفاوتی میان والدین و فرزندان و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ گونه تشابه بین این دو نسل قرار دارد اگر هر یک از این دو شکاف ذکر شده صورت گیرد نوعی آسیب برای جامعه به شمار خواهد آمد، زیرا انتقال کامل اجازه نوآوری و تغییر و واکنش به موفقیت های جدید را به نسل جدید نمی دهد و در این صورت نسلی نو با مفهوم واقعی جامعه شناختی که دارای تفاوت ها و نگرش های خاص خود باشد پدید نمی آید و انتقال کاملاً ناقص هم اجازه کنش هماهنگی بین نسل ها را نمی دهد (موسوی، ۱۳۹۱). امروزه آنچه با عنوان شکاف نسل ها از ناحیه آن احساس خطر می شود گسست تعارضات ارزشی بین والدین و فرزندان است که اذهان اندیشمندان، برنامه ریزان و حتی توده های مردم را نگران کرده است. شواهد حاکی از آن است که در سال های اخیر به تدریج چالش بین والدین و فرزندان گسترش یافته است. اگر فاصله و جدایی بین اعضای خانواده عمیق شود به تعارض بین نسل ها که همان شکاف نسلی است می انجامد و از آنجا که جامعه همیشه در مسیر رو به پیشرفت و در حال گذار است باید توجه داشت که این دوران گذار تأثیرات مهمی در زندگی انسان و افراد جامعه می گذارد که با توجه به مقتضیات اجتماعی فرهنگی و سیاسی هر جامعه ای، این تأثیرات متفاوت خواهد بود (سعیدفر، ۱۳۸۳). در ادامه به پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع پرداخته می شود. ادومی و شجاعی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر

ارزش های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان"، با تأکید بر فرهنگ و قومیت لر در شهر یاسوج نشان دادند که ارزش های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان تأثیرگذار است و هرچه ارزش های فرامادی جوانان بیشتر افزایش یابد، سبک زندگی آنها مدرن تر می شود و بیشتر به سمت مدرنیته پیش می روند. خوش فر، آخوندی، حاجی میر قاسمی و علی نیا (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی میزان رعایت سبک زندگی اسلامی در میان شهروندان شهر گرگان" به این نتیجه رسیدند که میزان رعایت سبک زندگی اسلامی در حد زیاد دارای میانگین ۴/۴۲۰ از ۵ است و رابطه بین رعایت سبک زندگی اسلامی با وضعیت تأهل، اعتماد اجتماعی، سن و وضعیت مناسب مثبت است. در حالی که این رابطه با سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی و مصرف رسانه ای منفی است، به گونه ای که با افزایش هریک از این عوامل، رعایت سبک زندگی اسلامی کاهش می یابد. میری بعد (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه میزان مطالعه منابع دینی و گرایش به سبک زندگی اسلامی" نشان داد که رابطه بین میزان گرایش به سبک زندگی اسلامی و میزان مطالعه منابع دینی در جوانان معنادار بوده است. جلیل زاده و زری (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان "پیش بینی دین داری بر اساس سبک های تفکر و انواع شخصیت در دانش آموزان دوره متوسطه" به این نتیجه رسیدند که سبک های تفکر حقوقی، قضایی، اجرایی، جهانی، محلی، سلسله مراتبی، سلطنتی، درونی و بیرونی دارای سبک های تفکر مثبت و محافظه کارانه و سبک های تفکر آنارشیک با دین داری رابطه منفی و معناداری دارد. از بین هر پنج ویژگی شخصیتی، به جز روان رنجوری که با دین داری رابطه منفی معنی داری نشان داد، سایر ویژگی ها با دین داری همبستگی مثبت و معناداری داشتند. زارعی و جعفری (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی از طریق شبکه های اجتماعی" به این نتیجه رسیدند که با توجه به گرایش زیاد جوانان به استفاده از شبکه های اجتماعی، می توان از این شبکه ها برای ارتقاء زندگی اسلامی بهره برد. همچنین می توان با طراحی وب سایت یا وبلاگ یا ایجاد شبکه های فرهنگی، سبک زندگی اسلامی - ایرانی را توسعه داد. پژوهش هایی در موضوع شکاف بین نسلی نیز صورت گرفته است که از جمله آنها ایلشاهی (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان "تأثیر سواد رسانه ای والدین بر شکاف نسلی والدین و فرزندان ۱۲ تا ۱۸ سال" به این نتیجه دست یافت که بین سواد رسانه ای والدین

ارتقاء درجات معنوی به سلامت جسمانی و روانی فرد نیز کمک کند. از این دیدگاه نهاد خانواده به عنوان اساسی ترین نهاد در جامعه انسانی از اهمیت مضاعفی برخوردار است و در باورهای زندگی اسلامی به طور قطع سلامت جسمانی و روانی افراد برخاسته از شیوه‌هایی است که فرد در جامعه از آن پیروی می‌کند. نهاد خانواده از آن‌رو اهمیت فراوانی دارد که کانون شخصیت‌سازی و الگوگیری به شمار می‌رود. هنگامی که در یک خانواده الگویی با وجوه مثبت سبک زندگی پذیرفته می‌شود در آن خانواده سبک زندگی سالم شکل می‌گیرد، به طوری که در سبک زندگی اسلامی خانواده جایگاه بسیار مهمی دارد و این نهاد همواره مورد تکریم قرار گرفته است (بیات، ۱۳۸۲). در کل باید اشاره کرد، شکاف نسلی معمولاً زمانی شروع می‌شود که آهنگ تغییرات در جامعه شدت می‌گیرد، در جامعه ایران نیز در طول چند دهه اخیر، شاهد تحولات پرشتابی بوده ایم. ضرورت این پژوهش زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم قشر نوجوان و جوان جامعه ما به دلیل بالا رفتن سطح آگاهی‌ها و تغییر ارزش‌های سنتی کمتر دنباله‌رو ارزش‌ها و قواعد مورد قبول والدین هستند که این باعث به وجود آمدن مشکلاتی در سطح خانواده و اجتماع شده است. این در حالی است که دین اسلام بیش از هر دین و مکتب دیگری، به تربیت اهمیت داده است. در تربیت تربیت دینی از جایگاه رفیعی برخوردار است. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند بین تربیت دینی و سبک زندگی رابطه تنگاتنگی وجود دارد (خواجeh پور و سعیدی ابواسحق، ۱۳۹۴). از این‌رو فقدان الگوی تربیتی مناسب که مبتنی بر سبک زندگی اسلامی باشد در جامعه و خانواده‌ها بسیار محسوس است. با توجه به آنچه که بیان شد پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که یک الگوی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی چگونه است؟ همچنین اعتبار الگوی مستخرج تا چه میزان است؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی بوده و از نظر اجرا بر اساس طرح آمیخته اکتشافی (رویکرد کیفی و کمی) انجام شد. در پاسخ به سؤال اول با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی اطلاعات مربوط به مبانی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی مورد مطالعه قرار گرفت. سپس با استفاده از روش استنباطی ماهیت عناصر

(متغیر مستقل) و شکاف نسلی والدین و فرزندان (متغیر وابسته) رابطه معناداری وجود ندارد. مقتدائی (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان "رابطه خانواده، دین و دولت و نقش آن در شکاف نسلی در ایران امروز" نشان داد که دین و خانواده و دولت این سه نهاد تأثیرگذار بر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران می‌توانند سه نوع رابطه تراحمی، تابعی و تعاملی با همدیگر داشته باشند و نتیجه حاصله بیانگر وقوع شکاف نسلی در رابطه تراحمی و تابعی و مدیریت و کنترل شکاف نسلی در رابطه تعاملی این سه نهاد با یکدیگر می‌باشد. طالبان و عسگری (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی با عنوان "نگرش به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی: شکاف یا تفاوت نسلی؟" نشان دادند که علی‌رغم تفاوت‌های موجود در تعلق والدین و فرزندان نشان نسبت به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی، این تفاوت‌ها به اندازه‌ای نبود که بتوان نام شکاف نسلی به آنها داد و تفاوت نسلی عنوان مناسب‌تری برای بازنمایی یافته‌های حاصل از تحقیق می‌باشد. یوسفی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان، شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی، ۳۳۶ پدر و فرزند (پسر و دختر) در سنین ۱۵ تا ۲۵ ساله شهر تهران را مورد مطالعه قرار داد. نتایج حاکی از وجود شکاف در ارزش‌های پدران و فرزندان داشت و هر دو نسل تقریباً در نیمی از ارزش‌های مورد بررسی بر اختلافات بین نسل خود و دیگری صحه گذارده‌اند. نتایج پژوهش مذکور همچنین نشان داد، حشو ارزش‌های پدران (۰/۳۷) و تضاد هنجاری بین نسل‌ها (۰/۳۶) به‌طور مستقیم بر شکاف ارزشی بین نسل‌ها مؤثرند. همچنین ویب و ژانگ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود با عنوان "عوامل آغازگر تعارضات و سبک‌های مدیریتی در روابط بین نسلی خانواده و غیر خانواده: حساب‌های مکتوب گذشته‌نگر بزرگسالان جوان" به این نتیجه رسیدند که انتقادات بزرگسال به جوان (به ویژه در زمینه‌های غیر خانوادگی) و رقابتی بیشتری عامل ایجاد درگیری و سبک مدیریت در روابط بین نسلی گزارش شده است. همچنین، نتایج به دست آمده در پژوهش مذکور نشان داد که بزرگسالان و جوانان به طور متقابل از سبک‌های رقابت و اجتناب استفاده می‌کنند. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته که به آنها اشاره گردید در جامعه اسلامی - ایرانی توجه به نوعی از سبک زندگی نمود پیدا می‌کند که در آن علاوه بر حفظ هویت ایرانی به باورهای دینی و اسلامی نیز توجه ویژه‌ای شده است؛ به طوری که از نگاه این سبک، سبکی از زندگی مورد قبول است که علاوه بر هدایت فرد به سمت تعالی و

در مورد تدوین الگوی سبک زندگی اسلامی مصاحبه شد و از او درخواست شد تا تعدادی از متخصصان مربوطه را معرفی کنند تا به آنها پرسشنامه داده شود. داده‌ها پس از ۱۵ مورد به اشباع رسید. ملاک ورود در بخش مبانی نظری، سرواژه‌های الگو تربیتی، سبک زندگی ایرانی و اسلامی، شکاف بین نسلی بود و در بخش کمی نیز عضویت در هیأت علمی دانشگاه‌های استان آذربایجان غربی، داشتن مدرک دکتری در رشته‌های علوم تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت، داشتن حداقل ۳ مقاله در زمینه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر بود. ملاک خروج نیز محرز شدن فقدان شرایط ورود بود. ملاحظات اخلاقی الزامی در این پژوهش شامل کسب رضایت آگاهانه، رازداری و حق انصراف برای شرکت‌کنندگان بود.

ابزار

در بخش کیفی پژوهش ابزار مورد استفاده فیش‌برداری بوده است و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه دارای دو بخش است: بخش اول شامل ویژگی‌های الگوی طراحی شده برای والدین اعم از (هدف، محتوا، روش و ارزشیابی) است. بخش دوم شامل سؤالات مربوط به اعتبارسنجی می‌باشد که به نمونه انتخاب شده در پژوهش برای تکمیل ارائه شده است. مراحل اجرای پژوهش حاضر در قالب جدول ذیل انجام پذیرفته است:

الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی شامل اهداف، محتوا، روش تدریس و روش‌های ارزشیابی تعیین الگوی مورد نظر تدوین گردید. سرانجام با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی اعتبار الگوی پیشنهادی از نظر متخصصان بررسی شد. جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل تمامی مبانی نظری مربوط به الگوی سبک زندگی اسلامی و شکاف بین نسلی و سایر منابع معتبر مربوط به این زمینه بوده است. نمونه پژوهش در بخش کیفی، شامل کلیه مبانی نظری الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و نیز بخش‌هایی از الگوی سبک زندگی اسلامی بود که در کاهش شکاف بین نسلی در قالب مباحث آموزشی و مقالات منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در بخش کمی نیز جامعه پژوهش شامل تمامی اساتید رشته‌های علوم تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های استان آذربایجان غربی (دانشگاه ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور و دانشگاه فرهنگیان) بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی از میان آنها ۱۵ نفر با فرآیند پژوهش در بخش کمی همکاری کردند. از طریق پرسشنامه اطلاعات و دیدگاه‌های تخصصی صاحب‌نظران مذکور در زمینه الگوی مستخرج و ابعاد و مؤلفه‌های آن اخذ گردید. معیار انتخاب تعداد شرکت‌کنندگان در بخش کمی، اشباع نظری بود. بر این اساس با استفاده از روش گلوله‌برفی با یک نفر از اساتید صاحب‌نظر

جدول ۱. مراحل اجرای پژوهش		
گام‌های پژوهش	منابع داده‌ها	روش‌های گردآوری
۱. بررسی ماهیت عناصر الگوی تربیتی والدین (اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی) مبتنی بر سبک زندگی اسلامی	اطلاعات حاصل از سؤال کلی و سؤالات جزئی	واکاوی و تحلیل مدارک، منابع و اسناد و فیش‌برداری از آنها
۲. تا چه اندازه این الگو معتبر است؟	استفاده از پرسشنامه نیمه ساختار یافته	به صورت میدانی از صاحب‌نظران

یافته‌ها

شکاف بین نسلی را طراحی کرد. در جدول ۲ نتیجه نظرات متخصصان در باره کافی بودن ویژگی‌های عناصر الگوی تربیتی و مناسب بودن نحوه بیان ویژگی‌ها آمده است.

ابتدا در بخش کیفی با توجه به منابع مورد نظر مراحل کدگذاری انجام شد و بر اساس آن ویژگی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی مشخص گردید. این ویژگی در قالب یک پرسشنامه که خود شامل دو قسمت بود (قسمت اول شامل ویژگی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی و قسمت دوم اعتبارسنجی الگوی مورد نظر است) در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت تا بر مبنای نتایج بدست آمده بتوان الگوی صحیح تربیتی برای والدین، مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش

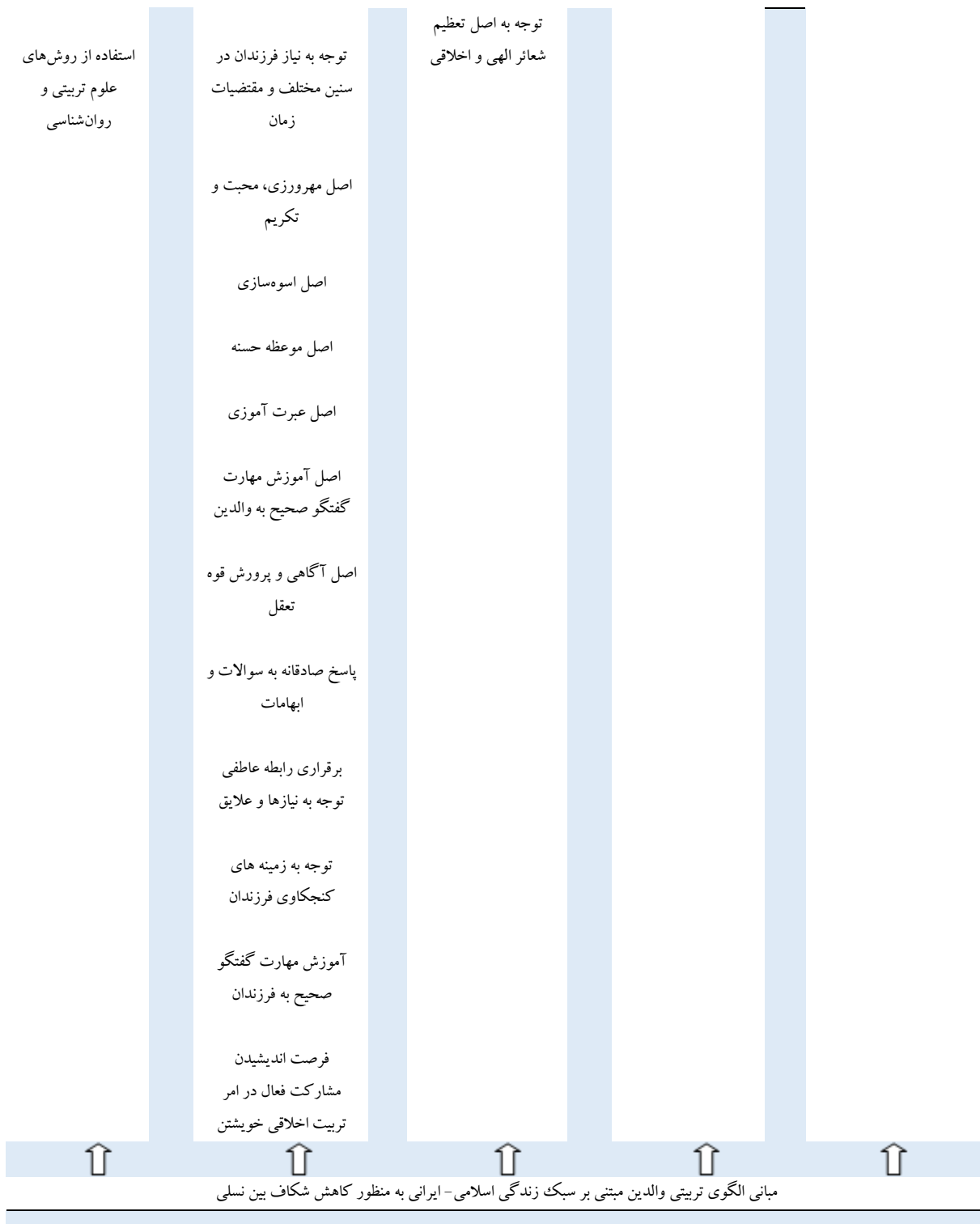
جدول ۲. فراوانی پاسخ به کافی بودن موارد ذکر شده در بخش اصول				
ابعاد	اصول	بلی	خیر	
اصول	آیا موارد بیان شده در اصول کافی است؟	۱۵ (۱۰۰٪)		
محتوا	آیا ادبیات بیان موارد مناسب (شیوا) است؟	۱۲ (۸۰٪)	۳ (۲۰٪)	
	آیا موارد بیان شده در روش کافی است؟	۱۵ (۱۰۰٪)		
روش	آیا ادبیات بیان موارد مناسب (شیوا) است؟	۱۲ (۸۰٪)	۳ (۲۰٪)	
	آیا موارد بیان شده در روش کافی است؟	۱۵ (۱۰۰٪)		
ارزشیابی	آیا موارد بیان شده در ارزشیابی کافی است؟	۱۵ (۱۰۰٪)		
	آیا ادبیات بیان موارد مناسب (شیوا) است؟	۱۰ (۶۶/۶۷٪)	۵ (۳۳/۳۳٪)	

نظر گرفته شود. در بخش ارزشیابی نیز نسبت به بخش محتوا کمی نظرات متنوع تر شد. در این قسمت تمام متخصصان بر این نظر بودند که تمامی موارد در ارزشیابی به صورت کامل بیان شده است. در این بخش، فقط ۳۳/۳۳ درصد از صاحب نظران عقیده داشتند شیوایی مطالب به اندازه کافی نیست.

چنانچه در نمودار ۱ نشان داده شده است یافته های حاصل از پژوهش حاضر برای ارائه الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی قابل ارائه می باشد.

بررسی نظرات صاحب نظران در جدول ۲ نشان می دهد، موارد ذکر شده در چارچوب اصول و نحوه بیان اصول توسط تمامی متخصصان، مناسب ارزیابی شده است. بررسی نظرات صاحب نظران در بخش محتوا نشان می دهد که تمامی متخصصان موارد برشمرده در چارچوب محتوا را کامل ارزیابی کرده اند، از طرف دیگر ۲۰ درصد از کارشناسان معتقد بودند که ادبیات موارد مطرح شده در بخش محتوا باید تغییر کند. در بخش روش، نظرات متنوعی دیده شد، تمامی کارشناسان معتقد بودند موارد استخراج شده کافی است و فقط ۲۰ درصد از آنها معتقد بودند در ادبیات آن باید تغییراتی در

نمودار ۱. الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی				
اصول	هدف	محتوا	روش	ارزشیابی
اصل عقلانیت	کاهش فاصله بین والدین و فرزندان	توجه به اصل دین داری	برخورداری از قوه تفکر	استفاده از دو معیار قرآن و سنت
اصل دین محوری	افزایش اثربخشی روش های تربیتی	توجه به اصل علم و دانش	تذکر و یادآوری	حضور در پیشگاه الهی
اصل انسان مداری		توجه به اصل بهداشت روانی	حیا و عفت	ارزشیابی بیرونی
اصل زمان شناسی		توجه به اصل معرفت و بصیرت	عزت نفس و خود باوری	خود ارزشیابی
اصل مشارکت همگانی		توجه به اصل تعهد و مسئولیت	تدریج در امر تربیت	ارزشیابی در حد
اصل جذابیت بخشی		توجه به اصل عدالت محوری و حق طلبی	توجه به تفاوت های جنسیتی	وسع و توان (انعطاف پذیری)
اصل انعطاف و پویایی		توجه به اصل اعتدال و میانه روی	توجه به تفاوت در حقوق و تکالیف شرعی	ارزشیابی ضمن عمل و رفتار
			روشن ابتلا	ارزشیابی به منظور بازخورد و بهبود امور
			روشن قصه گویی و تمثیل های قرآنی	



الگوی پیشنهادی، پرسشنامه نیمه ساختار یافته تهیه و بر اساس آن به صورت نمونه گیری هدفمند از ۱۵ نفر از متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت و علوم تربیتی نظرخواهی به عمل آمد. در نظرخواهی مذکور، ۱۵ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. نظرات متخصصان در مورد بخش های مختلف الگوی پیشنهادی نشان از تأیید الگوی ذکر شده دارد که جزئیات آن در جدول ذیل نمایش داده شده است..

چنانچه در نمودار ۱ نشان داده شده است یافته های حاصل از پژوهش حاضر برای ارائه الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی قابل ارائه می باشد.

همچنین به منظور تعیین میزان مطلوبیت الگوی ارائه شده، از روش نظرخواهی استفاده شد. بدین ترتیب که بعد از تهیه پیش نویس

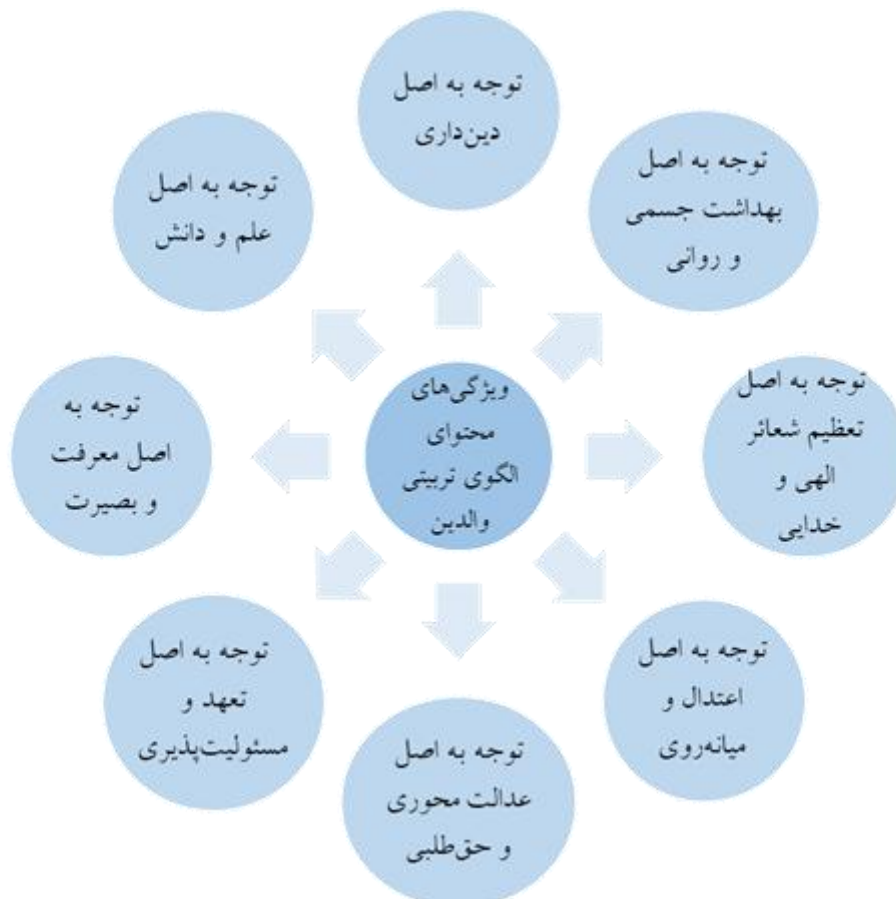
جدول ۳: دیدگاه متخصصان در رابطه با مطلوبیت الگو (اصول، اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی)

بدون نظر		مخالف		موافق		موارد	
درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی		
	۶/۲	۱	۱۲/۵	۹۳/۸	۱۴	ضرورت وجود الگوی جامع مبتنی بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی	فلسفه الگو
				۱۰۰	۱۵	ضرورت وجود یک راهنمای عملی برای والدین به منظور کاهش شکاف بین نسلی	
				۸۱/۳	۱۲	هویت بخشی به فرزندان	
				۹۳/۸	۱۴	توسعه و ارتقا کیفی نظام تربیتی	
				۱۰۰	۱۵	کاهش فاصله بین والدین و فرزندان	
				۱۰۰	۱۵	افزایش اثربخشی روش های تربیت	
				۱۰۰	۱۵	اصل عقلانیت	
				۱۰۰	۱۵	بعد شناختی	
				۱۰۰	۱۵	اصل دین محوری	
				۱۰۰	۱۵	اصل انسان مداری	
۱۰۰	۱۵	بعدنگرشی					
۱۰۰	۱۵	اصل زمان شناسی	اصول				
۱۰۰	۱۵	مشارکت همگانی					
۱۰۰	۱۵	بعد رفتاری					
۱۰۰	۱۵	جذابیت بخشی					
۱۰۰	۱۵	انعطاف و پویایی					
۱۰۰	۱۵	توجه به اصل دین داری					
۹۳/۸	۱۴	توجه به اثبات علم و دانش					
۱۰۰	۱۵	توجه به اصل بهداشت جسمی و روانی					
۱۰۰	۱۵	توجه به اصل معرفت و بصیرت		محتوا			
۱۰۰	۱۵	توجه به اصل تعهد و مسئولیت پذیری					
۷۵	۱۲	توجه به اصل عدالت محوری و حق طلبی					
۱۰۰	۱۵	توجه به اصل اعتدال و میانه روی					
۱۰۰	۱۵	توجه به اصل تعظیم شعائر الهی و اخلاقی					
۱۰۰	۱۵	اصل برخورداری از قوه تفکر					
۹۳/۸	۱۴	تهذیب و تزکیه نفس					
۹۳/۸	۱۴	تذکر و یادآوری					
۱۰۰	۱۵	حیا و عفت					
۱۰۰	۱۵	عزت نفس و خودباوری					
۹۳/۸	۱۴	اصل تدریج در امور تربیت	روش های یاددهی و یادگیری (آموزش)				
۹۳/۸	۱۴	اصل توجه به تفاوت های جنسیتی					
۸۱/۳	۱۲	اصول تفاوت در حقوق و تکالیف شرعی					
۸۱/۳	۱۲	روش ابتلاء					
۱۰۰	۱۵	روش قصه گویی و تمثیل های قرآنی					
۱۰۰	۱۵	توجه به نیازهای فرزندان در سنین مختلف و مقتضیات زمان					
۹۳/۸	۱۴	اصل مهرورزی محبت و تکریم					
۱۰۰	۱۵	مربوط به یاددهی از					
۹۳/۸	۱۴	اصل اسوه سازی و موعظه					

جدول ۳: دیدگاه متخصصان در رابطه با مطلوبیت الگو (اصول، اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی)						
موارد	موافق		مخالف		بدون نظر	
	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد
منظر						
اخلاق		۱۵		۱۰۰		
تربیت		۱۵		۱۰۰		
(مربی)						
اصل آگاهی و پرورش قوه تعقل	۱۲	۸۱/۳	۱	۶/۲	۲	۱۲/۵
پاسخ صادقانه به سوالات و ابهامات در زمینه‌های مختلف	۱۵	۱۰۰				
برقراری رابطه عاطفی و تعامل موثر با فرزندان	۱۵	۱۰۰				
توجه به نیازها و علائق فرزندان	۱۵	۱۰۰				
توجه به زمینه‌های کنجکاوی	۱۵	۱۰۰				
فرزندان در رابطه با مسائل جدید تربیتی	۱۵	۱۰۰				
آموزش مهارت گفتگوی صحیح به فرزندان	۱۴	۹۳/۸	۱	۶/۲		
دادن فرصت به فرزندان برای اندیشیدن به مسائل اخلاقی	۱۴	۹۳/۸	۱	۶/۲		
مشارکت فعال فرزندان در امور	۱۵	۱۰۰				
تربیتی - اخلاقی خویشتن استفاده از دو معیار قرآن و سنت پیامبر	۱۵	۱۰۰				
تأکید بر حضور در پیشگاه الهی و نظارت الهی بر افکار و رفتار	۱۵	۱۰۰				
ارزشیابی بیرونی (نظارت بر رفتار)	۱۲	۸۱/۳	۳	۱۸/۷		
تأکید بر خودارزشیابی	۱۲	۷۵	۳	۲۵		
ارزشیابی در حد وسع و توان (انعطاف پذیری)	۱۵	۱۰۰				
ارزشیابی ضمن عمل و رفتار	۱۴	۹۳/۸			۱	۶/۲
ارزشیابی به منظور بازخورد و بهبود امور	۱۵	۱۰۰				
استفاده از روش‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی در امور مبتلا به در زندگی	۱۵	۱۰۰				

مبتنی بر سبک زندگی اسلامی قابل پیشنهاد است.

با توجه به مفاهیم و مقولات تأیید شده در جدول فوق، در نهایت الگوی ذیل برای ویژگی‌های محتوای الگوی تربیتی والدین



شکل ۱. ویژگی‌های محتوای الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتبارسنجی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور کاهش شکاف بین نسلی انجام شد. یافته‌های پژوهش در قالب الگویی شامل اهداف، اصول، محتوا، روش و شیوه‌های ارزشیابی تدوین گردید و جهت اعتبارسنجی آن از نظر محتوایی و میزان تناسب با الگوی سبک زندگی اسلامی از متخصصان نظرخواهی انجام گرفت که بر اساس نتایج به دست آمده اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفت. از آنجا که شخصیت فرزندان در خانواده شکل می‌گیرد و فردی با داشتن ویژگی‌های شخصیت اسلامی می‌تواند از سبک زندگی سالم بهره‌مند شود؛ هر اندازه که والدین از آموزه‌های قرآنی بهتر و بیشتر بهره‌گیرند، به همان اندازه در سبک زندگی خود و فرزندان‌شان تأثیر مثبت دارد. رسیدن به یک سبک زندگی اسلامی در نتیجه بهره‌گیری از اعتقادات و آموزه‌های دینی و اسلامی امکان‌پذیر است. همچنین فقدان شناخت مناسب از مخاطب به برقراری ارتباط نامناسب منجر خواهد شد. نهادهای نشدن سبک زندگی اسلامی و عدم شناخت درست فرهنگ ایرانی و استفاده از آموزه‌های دینی در

دانش، نگرش و روش زندگی خانواده‌ها امکان برخورد مناسب و منطقی با نسل جدید را از جامعه گرفته است. اگر نسل جدید و جوان در مقایسه با نسل پیشین در زمینه‌های مفاهیم، اصطلاحات، انتظارات، آرمان‌ها و ظواهر متفاوت باشد، این تفاوت‌ها حاکی از الگویی متفاوت نسل جدید و گسست نسلی است. بنابراین باید برای هدایت نسل جوان، آنان را با سبک زندگی اسلامی و فرهنگ غنی ایرانی آشنا ساخت تا از ایجاد گسست نسلی جلوگیری کرد. با نهادهای سازی سبک زندگی در خانواده که مبتنی بر رحمت و اعتدال است، نه تنها می‌توان از گسست نسلی جلوگیری کرد، بلکه می‌توان به پیوند نسلی نیز دست پیدا کرد. داده‌های پژوهش حاضر نشان دادند که متغیرهای پابندی دینی و ارتباطات خانوادگی میان والدین و فرزندان با شکاف نسلی رابطه دارد و در الگوی تربیتی موردنظر بایستی در جهت تقویت این موارد تلاش کرد. این نتیجه با یافته‌های بابایی فرد و روحی (۱۳۹۵) همسو است. در بسیاری از خانواده‌ها والدین به‌رغم اینکه سواد و آگاهی لازم را دارند اما احساس می‌کنند، نه آنها فرزندان‌شان را می‌فهمند و نه فرزندان آنها

الگوی تربیتی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی از طریق کارگاه‌های آموزشی برای والدین و نوجوانان برگزار شده تا به مرور و با تکیه بر آموزش محتوی الگوی مذکور از اثرات سوء شکاف نسلی کاسته شود.

منابع

- ادهمی، عبدالرضا و شجاعی، نعمت (۱۳۹۵). تأثیر ارزش‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان با تأکید بر فرهنگ و قومیت لر (مطالعه موردی: شهر یاسوج). *مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵ (۲۰)، ۸۵-۱۰۶
- ایلشاهی، فرانک (۱۳۹۸). تأثیر سواد رسانه‌ای والدین بر شکاف نسلی والدین و فرزندان ۱۲ تا ۱۸ سال. *مدیریت رسانه*، ۱۳ (۴۴)، ۶۸-۵۹.
- بابایی فرد، اسداله و روحی، مریم (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سبک زندگی بر شکاف نسلی در بین جوانان شهر کاشان. *فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی*، ۱۱ (۳۰)، ۶۱-۳۵.
- بیات، بهرام (۱۳۸۲). *تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه و والدین*. تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۷ (۲۷)، ۱۲۴-۹۵.
- خواجه‌پور، کبری و سعیدی ابواسحق، صالح (۱۳۹۴). تأثیر سبک زندگی در تربیت دینی. اولین همایش ملی تربیت دینی، راهی به سوی تعالی. میبد.
- خوش‌فر، غلامرضا؛ آخوندی، عاطفه؛ حاجی‌میرقاسمی، محبوبه سادات و علی‌نیا، حمیده (۱۳۹۴). بررسی میزان رعایت سبک زندگی اسلامی و عوامل مرتبط با آن در میان شهروندان (مطالعه موردی: شهر گرگان). همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، زنجان.
- درویش‌محمدی، مژگان (۱۳۹۱). راهبردهای روانشناختی: بلوغ و نوجوانی. *رشد آموزش مشاور مدرسه*، ۳۰ (۳)، ۵۲-۵۰.
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و طاهر، مریم (۱۳۹۵). مطالعه بین نسلی سبک زندگی دختران و مادران شهر یزد. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۴ (۳)، ۳۶-۷.
- طالبان، محمدرضا و عسگری، احسان (۱۳۹۶). نگرش به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی: شکاف یا تفاوت نسلی؟ *اندیشه سیاسی در اسلام*، ۳ (۱۲)، ۱۳۷-۱۱۳.

را. این مسئله نشان می‌دهد که تغییراتی مهم در باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و سبک زندگی روی داده است. اینگلهارت در کتاب ارزشمند «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی» به این نتیجه رسید که نگرش گروه‌های سنی جوان تر با نگرش گروه‌های سنی بزرگتر تفاوت دارد، زیرا با تغییر شرایط محیط اقتصادی - اجتماعی اولویت‌های ارزشی نسل جوان متفاوت با نگرش‌های نسل پیش از خود خواهد بود. همچنین همان‌گونه که بوردیو نیز معتقد است تمایز دوران مدرنیته منجر به شکل‌گیری میدان‌های گوناگونی شده و عمل کنشگر در هر میدان، بنا به جایگاه فرد در میدان، سرمایه، تجربیات شخصی در جریان جامعه‌پذیری، دوره زمانی و قدرت میدان در آن دوره شکل می‌گیرد. اگرچه در اکثر مواقع، برای توضیح ذوق کنشگر، ویژگی‌های میدان تعیین‌کننده هستند اما در صورتی که ویژگی‌های میدان تغییر نکرده باشد، باید برای درک دگرگونی فرد به ذوق وی رجوع کرد (زارع‌شاه‌آبادی و طاهر، ۱۳۹۵). از این رو الگوی تربیتی مستخرج از پژوهش حاضر قصد دارد با نزدیک کردن والد و نوجوان با در نظر داشتن اصول، اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی برآمده از سبک زندگی اسلامی، شکاف نسلی را کاهش دهد. مطالعه حاضر دارای محدودیت‌هایی است که از آن جمله می‌توان به این مورد اشاره کرد که با توجه به عنوان پژوهش (تدوین الگوی تربیتی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی) منابع مربوط به سبک زندگی در جوامع غربی که دینی غیر از اسلام دارند، کنار گذاشته شد. از این رو الگوی مستخرج تنها محدود به ایران و سایر جوامع اسلامی است. از طرف دیگر در اعتبارسنجی الگو فقط از متخصصان استان آذربایجان غربی استفاده شد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از نظر سایر متخصصان نیز بهره گرفته است. در نهایت این که روش مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و ابزار مورد استفاده فیش‌برداری بوده است و به دلیل محدودیت زمانی، امکان مثلث‌سازی فراهم نگردید. همچنین طراحی الگوی تربیتی برای والدین به منظور کاهش شکاف بین نسلی، فقط به مبانی، محتوا، روش و ارزشیابی سبک زندگی اسلامی محدود بوده است. لذا با توجه محدودیت‌های ذکر شده پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های مشابهی با تأکید بر نوع جنسیت (دختر و پسر) به صورت جداگانه انجام پذیرد؛ جهت تکوین و تعالی این الگو، پژوهشی با استفاده از سایر الگوهای تربیتی در جوامع مختلف و فرهنگ‌های مختلف انجام شود. در ضمن لازم است مبانی و اصول

- قمری، محمد و قمری گندوانی، آرزو (۱۳۹۳). رابطه ابعاد عملکرد خانواده با تعارض والد - نوجوان در بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی. *فصلنامه تربیتی زنان و خانواده*، ۸ (۲۶)، ۱۷۴-۱۵۷.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۱). طرح نظریه سبک زندگی بر اساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن. پایان‌نامه دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی: (بررسی شکاف نسلی در ایران). *نامه علوم اجتماعی*، ۱۱ (۴)، ۷۹-۵۵.
- مقتدائی، مرتضی (۱۳۹۷). رابطه خانواده، دین و دولت و نقش آن در شکاف نسلی در ایران امروز. *مطالعات سیاسی*، ۱۱ (۴۲)، ۹۳-۱۱۲.
- موسوی میرکلائی، سید علی (۱۳۹۱). خانواده، شکاف نسلی و رسانه‌ها. *مجله رسانه و خانواده*، ۱ (۴)، ۷۳-۵۲.
- میری بعد، انیس (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین میزان مطالعه منابع دینی و گرایش به سبک زندگی اسلامی. *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم*.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۲). سبک‌های تربیتی و شکاف بین‌نسلی؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی. تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یوسفی، نریمان (۱۳۹۲). شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی. *فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲ (۷)، ۲۴۰-۲۱۳.
- Dekovic, M. (1999). Parent-adolescent conflict: Possible determinants and consequences. *International Journal of Behavioral Development*, 23(4), 977-1000.
- Jalilzade, H & Zarei, H.A (2018). The prediction of religiosity based on thinking styles and personality types in the second secondary students of (case study in second region of urmia). *Educational science from islamic point of view*, 6(10), 123-140.
- Wiebe, W. T., & Zhang, Y. B. (2017). Conflict initiating factors and management styles in family and nonfamily intergenerational relationships: young adults' retrospective written accounts. *Journal of Language and Social Psychology*, 36(3), 368-379.
- Yau, J., & Smetana, J. (2003). Adolescent-parent conflict in Hong Kong and Shenzhen: A comparison of youth in two cultural contexts. *International Journal of Behavioral Development*, 27(3), 201-211.
- Zarei, Batool & Jafari Navimipour Nima (2016). Promotion of the Islamic Iranian Lifestyle through the Social Networks. *ETHICS*, 6(22), 219-249.